

«سیاست خارجی دولت شوروی درباره جنبش جنگل»

فرهاد خسروی زاده

نوآمد

یکی از جنبشهای ضد حکومت مرکزی ایران در جریان جنگ جهانی اول، جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان بود که خواهان سرنگونی رژیم استبدادی و مبارزه با استعمار انگلیس و استقرار «حکومت جمهوری» در ایران بود که می توان آن را «نظام دموکراتیک اسلامی» نامید. بر نامه حکومت میرزا کوچک، در اندیشه های ناسیونالیستی و وحدت اسلامی «خلاصه می شد.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه به دست سوسیالیستهای افراطی (بلشویکها) به رهبری لینن، به پیروزی رسید و با تأکید بر اصول عدالت و برابری ملتها سیاست خارجی نوینی در قبال ایران در پیش گرفت و محرک نیرومندی برای «رشد جنبش ایران» شد. (۱) بدین ترتیب، اولین سیاست نهاجمعی انقلاب اکثریت در قالب «کمترین» منجر به بروز اندیشه های انقلابی و روحیه آزادیخواهان در ایالت شمالی ایران گردید.

در این زمان، رهبران دولت انقلابی، ملت ایران را مورد خطاب قرار دادند و تأملشان را به لغو همه قراردادهای استعماری منقضی در زمان قاجار و همچنین، تضمین استقلال و تمامیت ارضی و پایان دادن به عملیات نظامی در ایران، اعلام کردند. (۲) دولت بلشویکی، با اجرای این سیاست، سعی داشت زمینه های نفوذش را در ایران فراهم آورد و بدین ترتیب با استعمار انگلستان، که با انقلاب، به مبارزه برخاسته بود، مقابله کند. (۳)

به دنبال قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلستان، که در جهت جلوگیری از توسعه نفوذ افکار بلشویکی صورت گرفت، دولت انقلابی روسیه، برای اینکه مانع از «تبدیل شدن ایران به پایگاهی ضد بلشویکی» گردد، خط مشی سیاسی اش را تغییر داد و در چارچوب ایدئولوژی کمونیستی و همچنین، «اجرای اهداف بین الملل سوم» به حمایت از جنبشهای ملی و نهضت‌های ایدئولوژیک در ایران پرداخت و دولت ایران را رسماً هدف شدیدترین حملات تبلیغاتی قرار داد. (۴)

سیاست بلشویکها، بر این اساس بود که ابتدا راه ائتلاف با رهبر جنبش جنگل را در پیش گرفتند تا با استفاده از قدرت و نفوذ وی، زمینه های نفوذ خود را در افکار عمومی فراهم آورند. لذا در روز ۲۴ رمضان سال ۱۳۳۸ ه. ق، «اعلامیه ای از سوی میرزا و بلشویکها، تحت عنوان «فریاد مردم مظلوم ایران از حقوق فدائیان جنگل» منتشر شد که طی آن، «حکومت جمهوری گیلان» به ریاست میرزا کوچک خان، اعلام گردید.

همزمان با تشکیل جمهوری سوسیالیستی گیلان، حزب کمونیست ایران»

به عنوان یکی از شعبه های محلی کمترین، از گروه احسان... خان و اعضای «فرقه عدالت» تشکیل گردید. طی آن، تبلیغات کمونیستی در گیلان شدت یافت و با طرح شعارهای خاص حزبی خود، به میرزا کوچک سخت حمله نمودند. میرزا برای جلوگیری از برخورد نظامی و به امید یافتن راه حل سیاسی برای مشکلاتی که کمونیستها به وجود آورده بودند، شهر رشت را ترک گفت و فرای خود را به سوی جنگل عقب کشید و طرح توطئه کودتای حزب کمونیست را عقیم گذاشت.

رژیم جدید کمونیستی، مرکب از بلشویکها، به ریاست احسان... خان تشکیل شد. اقدامات افراطی رژیم جدید کمونیستی، ناخرسندیهای در میان طبقات مختلف مردم بیدار آورد، با تشکیل «کنگره ملت‌های شرق در یاکوه کنگره» برای حل اختلافات گیلان، حیدر خان عمو اوغلی را با یک کشتی حامل عده ای نقرات و مقداری اسلحه، از توپ و تفنگ، بمب و شیر، روانه نمودند. اما حیدر خان، طی توطئه مشکوکی، در «واقعه ملاسرا» به قتل رسید.

پنج روز پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹، با امضا شدن قرارداد «۲۶ فوریه ۱۹۲۱»، روابط ایران و شوروی، وارد مرحله جدیدی شد و چندی بعد، «قانون روزشین» نخستین وزیر مختار جدید شوروی در ایران، به تهران رسید. وی، در مراسم جشن تاجگذاری احمدشاه در روز ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۰۰، طی نطقی بر اساس عهدنامه ۱۹۲۱، «تسریع تصفیه مسئله گیلان» را مورد تأکید فراوان داد، و طی نامه ای، برای میرزا کوچک نوشت: «دولت شوروی، هر گونه اقدام انقلابی را در این شرایط بی فایده و زیانبار می داند». از این رو، سیاست خود را نسبت به ایران، تغییر داده است!

میرزا کوچک خان رهبر جنبش جنگل، بطور کلی هوادار چیزی بود که آن را می توان «نظام دموکراتیک اسلامی» نامید، یعنی یک نظام وصول مانیات به صورت زکات از مالک برای کمک به مردم فقیر و دیگر اقدامات مشابه، برنامه حکومت وی در اندیشه های ناسیونالیستی و وحدت اسلامی خلاصه می شده که سعی داشت به دفاع از حقوق و اموال فردی، لغو همه قراردادهای غیر عادلانه، برابری همه ملتها و دفاع از اسلام بپردازد. (۵)

تشکیل جمهوری گیلان

همان‌دادر روز سه شنبه ۱۸ ماه مه ۱۹۲۰ م. ۲۸ اردیبهشت ۱۳۰۰ ه. ش. ۵ شعبان ۱۳۳۸ ه. ق. بعد از شلیک چند توپ از دریای خزر به سواحل غازیان، ارتش

سرخ، در اثر زلی یاده شد. جهت و دلیل رسمی این حرکت کشتیهای جنگی شوروی این بود که چون کشتیهای ضد انقلابی ژنرال دینکین و عده زیادی از افسران و نایبین ایشان در اثر زلی بودند و امنیت دریای خزر را تهدید می کردند، بدین جهت رئیس فلوب سرخ شوروی در ولنگا و بحر خزر، برای حفظ امنیت دریای خزر، مجبور شد اثر زلی را تصرف نماید تا بتواند نفوذ ضدانقلابی و اتباع وی را، روانه روسیه نماید. (۶)

انگلیس، بدون آنکه جناب توبهای روسی را بدهند در سنگرهای خود مقاومت نمایند، غازیان را تخته و به طرف رشت عقب نشینی کردند و ضحاک از طرف ژنرال شاهینی انگلیسی و نماینده ایران، علت این اقدام از آنان استفسار گردید. مردم اثر زلی و غازیان، با شاکت کامل، بشوئیکیها را پذیرفته و از تمام طبقات از زن و مرده در قله ای که آنان یاده شده بودند مجتمع و نطقهای آتشین و هلهله و کف زندهای ممتد و خوشحالی بسیار از طرفین به عمل می آمد. (۷)

در این میان، سران جنگل، تشکیل جلسه داده و به شور و مذاکره پرداختند. نتیجه مشاوره، این شد که اسماعیل جنگلی، خواهرزاده میرزا باقر ماندهان ارتش سرخ نداس بگیرد. لذا اسماعیل خان، در ساختمان شیلات اثر زلی، با اسکولینکوف دیدار کرد. اما فرامانده ناوگان سرخ، پیش از آغاز هر نوع مذاکره رسمی با نمایندگان جنگل، اظهار اشتیاق کرد که خود میرزا را ببیند. ملاقات میرزا کوچک خان و فرمانده ناوگان سرخ، در عرصه کشتی کورسک صورت گرفت. میرزا هم نسبت به این ارتباط بی میلی نبود و هیچگونه صحبتی از بی میلی میرزا در منابع نیامده است. پروفسور سپهر ذبیح، نوشته است: بعد از ورود بشوئیکیها، میرزا و یارانش، به دیدن آنها رفتند. (۸)

حاضرین در این جلسه، عبارت بودند از: اسکولینکف فرمانده جهازات جنگی بحر خزر، سرگو ارژنگزده کبیر عالی قفقاز و اعضای کمیته عدالت ناگو، میرزا کوچک، حسن ایبانی (معین الرعیای) کاتوگ آلمانی (هوشنگ) سعادت، درویش، میر صالح مظفر زاده، اسماعیل جنگلی. (۹)

در این جلسه، به میرزا پیشنهاد شد به اتفاق عاداتیها، حکومت انقلابی را در ایران تشکیل دهد. میرزا اظهار نمود: «چون اعضای کمیته عدالت، سانهاست از ایران دور بوده و از اخلاق و روحیات و اهالی آشنایی ندارند، لذا بهتر است حکومت از افرادی تشکیل گردد که از روحیات مردم باخبر باشند. علاوه، در اثر تبلیغات مرتجعین، به همه ملت ایران این طور فهمانیده اند که فرقه بشوئیکی، علیه پول و دیانت و ناموس است. اگر در ابتدای کار، کوچکترین غفلتی به عمل آید، ممکن است ملت ایران، یکی از انقلاب دست کشیده و با آن، به مخالفت برخیزد. (۱۰)

در ملاقاتی که بین میرزا و بشوئیکیها صورت گرفت، وی تلاش نمود تا بشوئیکیها را متقاعد به خروج از گیلان نماید. اما در این کار، توفیقی نیافت. سرانجام طی چندین دور مذاکره، قراردادی بین طرفین منعقد گردید و بالاخره با عدم رضایت و اعتراض فرقه عدالت ناگو و حزب کمونیست ایران، که مرکب از همان افراد آذربایجانی و در تحت ریاست ایکنف بودند مقررات ذیل تصویب شد تا به موقع اجرا گذاشته شود.

۱. عدم اجرائی اصول کمونیسم، از حیث مصادره اموال و انقاع مالکیت و ممنوع بودن تبلیغات.

۲. تاسیس حکومت جمهوری انقلابی موقت.

۳. پس از ورود به تهران و تاسیس مجلس مبعوثان، هر نوع حکومتی را که نمایندگان منت پذیرند.

۴. سیردن مقررات انقلاب، به دست این حکومت و عدم مذاخه شورویها در ایران.

۵. هیچ قشونی بدون اجازه و تصویب حکومت انقلابی ایران، زائد بر قوای موجود (دو هزار نفر)، از شوروی به ایران وارد نشود.

۶. مختار این کشور، به عهده جمهوری اسلامی ایران است.

۷. هر مقدار مهمات و اسلحه، که از شوروی خواسته شود، در مقابل پرداخت قیمت، تسلیم نماید.

۸. کلای بازار گیلان ایرانی، که در یادگوبه ضبط شده، تحویل این حکومت شود.

۹. اگذاری کلیه مؤسسات تجاری روسیه در ایران، به حکومت جمهوری. (۱۱)

بفیکیان، به عنوان شاهد عینی، نوشته است: «لازمیر زادر موقع خداحافظی پرسیدم: «چطور شد که به این زودی در اولین ملاقات با سران قوای روس، توانستید قراردادی منعقد سازید؟» میرزا، پاسخ داد: «آنها، روی خوش به ما نشان دادند. (۱۲)

سیاست بشوئیکیها، بر این اساس بود که ابتدا، راه انتلاف با رهبر جنبش جنگل را برگزیدند تا با استفاده از قدرت و نفوذ وی، زمینه های نفوذ خود را در افکار عمومی فراهم آورند. در این حال، زمینه فکری مردم نیز بر اساس مظلوم طولانی انگلیسها و اعضای قرار داد ۱۳۹۹/۴/۲۷ ژوئن ۱۹۲۰، دست به تشکیل جمهوری

کویچک نیو، تحت تاثیر آنها قرار گرفت و برای مبارزه با رجوع داخلی و استعمار خارجی، در ۱۴ خرداد ۱۳۹۹/۴/۲۷ ژوئن ۱۹۲۰، دست به تشکیل جمهوری سوسیالیستی گیلان زد و موجودیت خویش را اعلام کرد و طی شکر فری می

لین، وفاداری خویش را به دوستی مشترک ایران و شوروی بیان نمود و سیستم ایده آل بین الملل سوم را ستود. (۱۳)

در روز ۲۴ رمضان سال ۱۳۳۸ ه. ق.، اعلامیه ای از طرف میرزا و بشوئیکیها، تحت عنوان «فریاد مردم مظلوم ایران از حلقوم فدائیان جنگل»، منتشر ساخت که طی آن، حکومت جمهوری به ریاست میرزا و عضویت احسان آ، خان و خالو فریان و میرزا محمد علی خان و دو نفر دیگر، اعلام گردید. (۱۴)

۱۵. جمعیت انقلاب سرخ ایران، اصول سلطنت را ملغی کرده، جمهوریت شوروی را رسماً اعلان می کند.

۱۶. حکومت موقت جمهوری، حفاظت جان و مال عموم اهالی را به عهده می گیرد.

۱۷. هر نوع فرزداد و معاهده ای که دولت ایران قدیم و جدید با هر دولتی منعقد کرده، لغو و باطل می داند.

۱۸. حکومت جمهوری، همه اقوام بسر و ملاقاتی با این امان شریک دانست و در باره آنها، به تساوی رفتار کرده و حفظ شعار اسلامی را نیز، از فراموشی می داند. (۱۵)

پس از نشر این بیانی، مشروح به نامگرافید از طرف کمیته انقلاب، به تهران و نظیر آن، از یادگوبه به تمام دنیا مخایره شد.

اولین کنگره حزب کمونیست ایران در بندر انزلی

همزمان با تشکیل جمهوری سوسیالیستی گیلان، حزب کمونیست ایران، به عنوان یکی از شعله‌های محلی کمترین، از گروه احسان... خان و اعضای فرقه عدالت تشکیل گردید. (۱۶) نخستین کنگره حزب کمونیست ایران، در اول مرداد ۱۳۹۹ (۲۳ ژوئن ۱۹۲۰)، به ریاست آقازاده، یکی از اعضای قدیمی کمیته عدالت در بندر انزلی، تشکیل شد. در این کنگره طر، قطعنامه‌ای، پیوستن به روسیه شوروی در مبارزه با سرمایه‌داری جهانی و حمایت از کله نیروهای ایرانی مخالف پرنیابا و نظام سلطنتی، مورد تأکید قرار گرفت. (۱۷) کنگره، برای جنبش نظر خلفهای ایران، برای یک مبارزه مشترک با رهبری حزب کمونیست ایران، در سراسر کشور، خط منبهای زیر را تصویب کرد.

۱. سرنگون کردن سلطه امپریالیسم بر ایران.

۲. مصادره اموال کلیه شرکت‌های خارجی.

۳. بستن حق خودمختاری برای همه ملینها، در چارچوب وحدت کشور.

۴. مصادره تمام زمینهای متعلق به مالکان بزرگ و تقسیم آن در بین دهقانان و سربازان ارتش انقلابی.

۵. اتحاد با روسیه شوروی و نهضت پرولتاریای جهانی. (۱۸)

در این کنگره، «لجناد دیکتاتوری پرولتاریا در آذربایجان و گیلان، فقط در درجات کم و با حمایت روسیه شوروی، مورد موافقت و تصویب قرار گرفت. نامه گفته سید جعفر پیشه‌وری، عضو برجسته این کنگره، «موضع نجات بخش شوروی، تعهدات سنگین را بر کمونیستهای ایران تحمیل کرد. زیرا آنان متعهد شدند تا از اتحاد شوروی در برابر تجاوزات کشورهای سرمایه‌داری، حمایت کنند» (۱۹)

شعارهای این حزب در آن مرحمه، عبارت بوده از: «بیرون راندن امپریالیستهای انگلیس از ایران، لغو موافقتنامه اسارت آور سال ۱۹۱۹ انگلیس و ایران و واگون ساختن خاندان قاجار و پرچیدن رژیم استبدادی و ماکمب خانها و فتو دالها، برقراری جمهوری ملی در ایران، تشکیل دولت دمکراتیک و ارتش ملی و غیره... تصمیم گرفت که حزب از میرزا کوچک خان پشتیبانی کند» (۲۰) پس از اعلام موجودیت حزب کمونیست ایران، تبلیغات کمونیستی در گیلان شدت یافت و در میران حزب، گذشته از طرح شعارهای حزبی، به میرزا کوچک خان نیز حمله می‌کردند. روزنامه کمونیست، به عنوان ارگان حزب کمونیست ایران، در رشت به سردبیری سید جعفر جو آقازاده (پیشه‌وری) انتشار یافت و در رشت، سازمان جوانان حزب، افتتاح گردید.

برخلاف (۲۱) اتفاقیهای انجام شده، دسته‌های جدیدی در کمونیستها، از باکو وارد انزلی شدند. (۲۲) و، «موران دولت بلشویکی، از تحویل نامسیاست‌نماری در انزلی و رشت به نمایندگان دولت انقلابی گیلان، خودداری کردند» (۲۳)

حکومت مستقل کمونیستها در گیلان

آزادشناخته شده حزب عدالت باکو، عبارت بودند از: ابوکا... (از شاهزادگان ناز) و خانش بی‌اسدا... غفارزاده، زاخانی، علیزاده، آقاباب، امیرزاده، موسوی، و چند تن دیگر که بیشتر فعالیتشان به دادن میتینگ و تبلیغات حزبی معصوف بود

و این وضع، مسنداً به پیشوای جنگل، گران آمد. (۲۴)

آنچه به نظر می‌رسد، اینک میرزا، از ابتدای امر هم با تبلیغات کمونیستی موافق نبود. او، دارای روح مذهبی بوده و هرگز نمی‌توانست پذیرای دیدگاه کمونیستی باشد. شوریه‌ها هم، بر اساس دیدگاههایی که از عوامل خود دریافت می‌کردند، میرزا را واقعی برای گسترش انقلاب کمونیستی می‌دانستند و وی را به عنوان مدعی در مقابل تمام مقاصد خود، تلقی می‌کردند. اما، با افرادی چون احسان... خان، در ورطه چنین قضاوتی قرار نداشتند. در مجموع، اقدامات بی‌رویه کمونیستها، در تبلیغات و انتقال حزب عدالت باکو به رشت و تبدیل آن به حزب کمونیست ایران و آغاز تبلیغات گسترده و اصرار بر سران انقلاب وابسته به چپ در اجرائی اصول کمونیسم از یک طرف، و ضبط کالاهای تجاری ایران در باکو به نفع از مدتها قبل توسط تجار ایرانی، برای مسدود به قفقاز انتقال یافته بود. از سوی دیگر، و سرانجام، دیدگاههای عمومی، که معتقد بودند میرزا، بی‌دین شده و کمونیسم را پذیرفته است، زمینه اشعاب میرزا را از کمونیستها فراهم ساخت.

جدلی بعد، کمیته مرکزی حزب کمونیست، اعلام کرد که میرزا کوچک خان، از مستهای خود در دوتنهای انقلابی معزول گشته است. (۲۵) به دنبال آن، کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران که به فلور عمد، افراد منحنی که از باکو وارد ایران شده بودند، تشکیل می‌گردید، جنگلیهارا، در رشت تحت قفسه قرار داد. (۲۶)

در چنین شرایطی، میرزا، در روز نهم ژوئیه ۱۹۲۰، پس از ارسال نامه‌هایی مهم و مستند به لندن و مدیترانه، که در آنها، اعمال خلاف کمونیستها را، یک به یک برشمرده بودند، از دولت جمهوری سوسیالیستی گیلان، کناره‌گیری کرد. (۲۷)

میرزا، برای جلوگیری از برخورد نظامی و به امید یافتن راه‌حل سیاسی برای مشکلاتی که کمونیستها به وجود آورده بودند، شهر رشت را ترک گفت و فوای خود را به سوی جنگل عقب کشاند. (۲۸) بدین ترتیب، کودتای کمونیستی شکل گرفت. نقشه گردان، فوری طرح‌ریزی شده بود که می‌بایست میرزا کوچک خان یا کشته می‌شد و بدستگیری می‌گردید و در هر حال، از کار در انقلاب خارج می‌شد و زمام امور را به دیگران می‌داد. ولی او نوظنه را قبلاً احساس و به جنگل رفته بود. (۲۹)

در ۲۳ ژوئیه ۱۹۲۰، ۹ مرداد ۱۳۹۹، حکومت جدیدی به رهبری «احسان... خان» در رشت قدرت را به دست گرفت و رسماً کمیته ملی آزادیبخش ایران، نامیده شد. اعضای آن، صر فآز هو اوزان احسان... خان و سلطان‌زاده بودند. حکومت جدید، در سلطه یک نیروی ۲۰۰ نفره روسی و ارمنی و سربازان گرجی و نزدیک به ۱۲۰۰ کارگر ایرانی صنعت نفت باکو بود و به عنوان اولین اقدام خود، مبارزه به نام «اتحاد جوانان کمونیست» کرد تا تبلیغات و تحریک و سازماندهی گروههای مسلح خود را در بر این نیروهای کوچک خان، که اینک رفیق اصلی کمیته، به شمار می‌رفت، تقویت کند. (۳۰)

اقدامات افرادی رژیم جدید کمونیستی، «تخریب‌هایی در میان طبقات مختلف مردم پدید آورد. «دولت احسان... خان، بی‌تابیه بلندیابی در باره آزاد ساختن حوده‌های در بند، مصادره و تفرقه زمینهای مالکان بین دهقانان و غیره منتشر ساخت و بحلاوه، در شرایط اقتصادی نواحی آن سیست، تحویل اجباری برنج را برقرار کرد که در واقع به افزایش بهره مالکانه انجام شد» (۳۱)

با چنین وضعی، اوضاع گیلان رو به وحامت گذاشت. آنچه در گیلان



کنگره اعزام شد. (۳۴) در این کنگره، به نقش حساس ایران و انقلاب شرقی، اشاره شد و کنگره، بر وز انقلاب در ایران را، فقط نیازمند یک مکان و فشار روحی و عزم راسخ کمترین دانست.

اکثر اعضای کنگره باکو، علاقه داشتند، خیلی زود به اختلافات گیلان حاتمه دهند و برای این امر، حیدر عمو اوغلی را شایسته دانستند و او را با یک کشتی حامل عده‌ای بغرات و مقداری اسلحه از توب و تفنگ، بچپ و غیره، روانه انزلی نمودند. به هر حال، به طور مسلم، کنگره ملل شرقی، در کنار ایران و محصوراً در انقلاب گیلان نظر داشت و در نتیجه، اقدامات اعضای کنگره، موضوع بر دایره نژاد دوستی، وارد مرحله گردید و ارسال نامه‌های مسالمت‌آمیز و درخواست رفع اختلاف به عمل آمد. هر چند ظاهراً در جلسات خود، از انقلاب گیلان چیزی نگفته، معالوصف با اقدامات پنهانی، توانستند سر و صورتی به انقلاب گیلان بدهند. (۳۵)

سقوط جمهوری گیلان

با افتادن حیدر عمو اوغلی و دیدار سران، کمیته مشترک از احسان... خان، خاتمو قربان، میرزا کوچک و عمو اوغلی تشکیل گردید که بعداً سرخوش به جای خاتمو قربان، در این کمیته شرکت کرد. به واسطه این انجمنی مجدداً نیز، کار غیر معقولی بود. میرزا که مزه فعالیت کمونیست‌ها را چشیده و دیدگاه عمو می مردم را در باره آنها مشاهده کرده بود، معلوم نیست به چه انگیزه‌ای این اتحاد مجدداً قبول کرده به مرحله، این اتحاد، بسیار شکننده بود و سواست دوام خود را حفظ کند.

اساطول نکند که به دنگر، بن سران کمتت جدید، اختلافاتی بروز کرد. در این زمان، احسان... خان، بدون اطلاع کمیته انقلاب و بدون آمادگی نظامی، با دو

می گذشت، بیشتر به یک کار، من شهادت داشت تا یک رویای ملی گرانه با یک کمونسزم روسی، بیکیان، به عنوان شاهد عینی، اوضاع مردم را در این گونه تفسیر می کند، فشارهایی که از طرف احسان... خان و کمونیست‌ها بر مردم وارد می شد، مردم را از نظر مادی و مراد غذایی، شدیداً در مضیقه قرار داده بود. در مرکز رشت، دچار حریق شده، مساجد و کساها و حجره‌ها، در آتش سوختند. (۳۶)

همزمان با این درگیری‌ها، توان دولتی نیز، به فرسادهی آستار و سنسکی، راهی شمال شد، مشیر لویه، که ریاست کمیته مرکزی را در دست داشت، در صدد سرکوب انقلابیون بود. میرزا، در بن جهان، نظاره گر ماجرا بود. قوای بشویک، رشت را تخلیه کرده، شهر به دست نیروهای دولتی افتاد و آستار و سنسکی، از احمدشاه، به خاطر این فتح، نشان دولتی گرفت. با عقرب بشویک بشویکها، مردم به دنبال قوای آنها، حمله‌ور شدند و عده زیادی را کشته یا سحر و جادو کردند و تقابلاً استقبال گرمی از سران دولتی به عمل آوردند. اما مدتی نگذشت که قوای دولتی، از رست عقب تنسته و نیروهای بشویکها، بار دیگر وارد رشت شدند. در این هنگامه، وضعیت مردم دیدنی بود. آنها، از ترس، انقلام بشویکها، خانه و کاسه خود را رها کرده و به سوی تهران متواری شدند.

کنگره باکو و مسئله جمهوری گیلان

در چنین اوضاع و احوالی، اقدامات تشکیل کنگره ملل شرقی در باکو نیز، نادرک دیده می شد. هر نامریزی این کنگره، اقدامی از سوی کمیته اجرایی کمترین، جهت نمود کمونسزم در ملل شرق بود. (۳۷) در زمان تشکیل این کنگره، ایران در معرض تخطی تازه‌ای از سیاست بشویکها قرار گرفت. به همین دلیل، تحت فشار مشترک حزب کمونیست و ارتش سرخ، از ایران نیز، هیأتی پیشنهاد به این

هزرتیفر ملحق، به سوی تهران حرکت کرد. ولی اقدام جنگی وی، منجر به شکست سختی شد. عمده ترین دلیل شکست احسان... خان، خود داری افسران روسی، از اجرای دستورهای فرماندهی در اردوی وی بنا به دستور ارتوشین، وزیر مختار جدید دولت بلشویکی در تهران، بود. (۳۶)

اقدام روتشتین، وزیر مختار جدید دولت شوروی، در جهت عدم حمایت احسان... خان در حمله به تهران، نشان دهنده تغییر جهت سیاست دولت بلشویکی، در برابر جمهوری گیلان بود. زیرا به تعبیر احسان طبری: «هدف تاهمین منابع ملی در این زمان، در راس سیاست خارجی دولت بلشویکی قرار داشت.» (۳۷) در واقع، سیاست جدید شوروی، از یک طرف بر پایه سازش سیاسی، اقتصادی با انگلستان، و از طرف دیگر، انعقاد قراردادی در جهت بهبود مناسبات سیاسی با دولت ایران استوار بود که اعضای آن نیز، به عدم حمایت شوروی از بلشویکها در گیلان منوط می شد.

در واقع رهبران رژیم بلشویکی، با کسب تجربه یکساله از اوضاع گیلان، به این نتیجه رسیدند که شرایط اجتماعی ایران، برای تحولاتی از آن نوع که در حدود روسیه صورت گرفته بود، مساعد نیست و ایجاد نظام کمونیستی در ایران، نیاز به گذشت زمان دارد (۳۸). به همین جهت، گزارشهایی که روتشتین، از تهران برای وزارت خارجه شوروی فرستاد، نظرگاه سیاسی دولت شوروی را در ایران، نسبت به بهمنهای محلی کمونیستی، کاملاً دگرگون ساخت. در یکی از این گزارشها، که مورد تصدیق لینن و جیحورین قرار گرفت، وی، به صراحت ابراز داشت: «... به شما اطمینان می دهم، هر گون، کوششی از جانب ما برای ایجاد انقلاب در هر ناحیه ای از ایران، باعث خواهد شد که ایرانیان، خود را ایندرونگ به اغوش بریتانیا بچسبند که در آن صورت، حکومت انگلستان، به چشم ایرانیان، به عنوان منجی و رها کننده میهنشان تلقی خواهد شد.» (۳۹) به همین علت، دولت بلشویکی، دست از حمایت انقلابیون گیلان برداشت و نیروهای خود را از شمال کشور فراخواند. با خروج ارتش سرخ، مخالفان در میان اعضای کمیته انقلاب، به اوج خود رسید، به طوری که سرانجام به عمر جمهوری شوروی، ای گیلان، پایان داد.

پنج روز پس از کودتای ۲۲۹۹، مشاوریان امپراتور الک انصاری، قرارداد ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ را با چیچورین، وزیر خارجه شوروی امضا کرد، با امضا شدن این قرارداد، روابط ایران و شوروی، وارد مرحله جدیدی شد و چندی بعد، فلودور روتشتین، نخستین وزیر مختار رژیم جدید شوروی در ایران، به تهران رسید.

روستین نیز، در مراسم جشن ناهنگذاری احمد شاه، که روز ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۰۰ برپا شد، این حمله را در نطقش گنجانید، «مخاطب اعلیحضرت همایون را مطمئن می سازد که دولت متوجه و دستدار نظر به تعهداتی که در موقع انعقاد قرارداد نمود، بانهایب صمیم، اقدامات لازمه را در سریع نصفیه مسئله گیلان، اتخاذ خواهد نمود.» (۴۰)

به دنبال تغییر سیاست شوروی در ایران و بخصر ص نسبت به جنبش جنگل، بلشویکها، به احسان... خان پیشنهاد کردند که همراه ما ارتش به شوروی برود. احسان... خان با نظر آبیان خود، که عبارت بود از: «حسابی، ذره لادین و حاج جعفر کنگاوری و غیره، از ایران حرکت و به باکو وارد شدند.» ناگفته نماند، به این که در آن تاریخ، تعداد افریقیان احسان... خان به ۲۵۰ نفر تقلیل یافته بود، معهداً شخصاً مایل نبود ایران را ترک، کند. می گفت: «می مانم و می جنگم.» ولی کنسول

شوروی در رشت، به او گفت: ما با دولت معاهده بسته ایم (منظورش معاهده ۱۹۲۱ بود) و تکلیف سیاست خارجی ما، برای مدت عمده ای، با دولت ایران روشن شده و من نمی توانیم از شما حائبداری کنیم. باید حتماً ایران را ترک نموده و به باکو بروید. این بود که احسان... خان، در مقابل اصرار کنسول مرزبور، ناگزیر شد که با کشتی به باکو عزیمت نماید. (۴۱)

با تسلیم خاندان قربان و فرار احسان... خان به طرف باکو، در حقیقت شیرازه اصلی جنگل، از هم پاشیده شد. اعظام قدسی، در خاطراتش گفته است: «تشکیل دهندگان سازمان جنگل، بجز خود میرزا، مردم ثابت قدم و دارای یک عقیده ثابت و مشتی نبودند. هر کدام، به فکرهای مختلف تشکیل جمعیت داده بودند.» (۴۲) کوچک خان، برای ملاقات با رشید الماسک خلخال، به سوی گیلان حرکت نمود، در دامنه کوه گیلوان، دچار بوران و یرف شدیدی شده، افرادش یکی پس از دیگری، یا از کوه برت شدند و یاره را گم کرده، زیر یرف ماندند. میرزا به همراه یکی از پسران وفادار خود به نام کانونگ آلمانی معروف به هوشنگ، در گدوک گیلوان به کولاک سختی دچار شد. به احتمال قوی، یازدهم آذرماه ۱۳۰۰ ه.پ. جان به جاتان سپردند. «باری، طرح انحلال جنگل، به اعضای روس و انگلیس رسیده بود و جناحهای سیاسی از بلشویکهای چون سید خان و احسان... خان و سردار محیی گرفته تا دسیسه کارانی چون میرزا کریم خان رشتی و قوام السلطنه و رضاخان، همه ناهید کرده بودند. کار میرزا تمام بود.» (۴۳)

رتشتین جاسکی، درباره سیاست خارجی شوروی در این مقطع زمانی، نوشته است: «اگر تبلیغ کمونیست را هدف اصلی شوروی در میان ایرانیان بدانیم و می دانیم (پیمان ۱۹۲۱)، که در واقع چنین بوده است، و قبلیات پر سرو صدای ماه موران شوروی در سرسره شرق، خود بهترین دلیل این مدعاست. بنابراین شوروی، ترجیح می داد که روابط صمیمانه خویش را با ایران حفظ نماید. ایران، یوزدهم پس از خروج سربازان انگلیسی، حق داشت خود را قربانی امپریالیسم جدید شوروی بنماید. روسیه، می بایست یکی از این دو را برمیگزید، یا روابط دوستانه خویش را با حکومت مرکزی ایران حفظ می نمود تا از طریق تبلیغات کمونیستی به وسیله سفارت شوروی در تهران، نفوذ خویش را رفته رفته افزایش می داد و یا برای کمونیست کم دن این سرزمین، به اقدامات حادی نظیر رویداد گیلان با استفاده از عناصر ناراضی ایران دست می زد. در پایان سال ۱۹۲۱ بود که بالاخره شوروی، به این نتیجه رسید که راه نخست، برای دستیابی به هدف، مناسبتر می نماید.» (۴۴)

دلایل سقوط جمهوری گیلان

قرارداد مودنی که بین دولت شوروی و دولت مرکزی ایران، در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ امضا شد، به امضای رسید. امر حله دیپلماتیک جدیدی، در روابط ایران و شوروی گشود. مهمترین ویژگی این قرارداد، ماده مربوط به «خروج ارتش سرخ از خاک ایران تا ۲۱ سپتامبر ۱۹۲۱ بود. عقب نشینی نیروهای روسی، نشانگر تغییر معکوس سیاست شوروی نسبت به ایران بود که نه تنها اثراتی در وضع نهضت انقلابی جنگل به جای گذارد، بلکه در «آینده کمونیسم در ایران نیز» تأثیر داشت. (۴۵)

پس از ورود قوای دولتی به رشت و انزلی، «آندرد روتشتین»، سفیر شوروی در تهران، ترغیب شد تا بین دولت مرکزی و کوچک خان، میانجگری کند. برررسی پیامهایی که بین کوچک خان و روتشتین مبادله شد، «طرز برخورد شوروی را با

نهضت گیلان» روشن کرد. سفیر شوروی در نامه خود، از کوچک شدن خواست تا نسیم شود و چنین نوشت: «... این تفسیر شما نیست؛ بلکه تحولات بین‌المللی از پایان جنگ... تغییر سیاست ما را در ایران اجتناب‌ناپذیر ساخته است... در حال حاضر، عملیات انقلابی را در ایران، نه تنها بی‌فایده بلکه مضر می‌دانیم. این است که شکل سیاستمان را عوض کرده، راه دیگر در پیش گرفتیم...» (۴۶) و تلویحاً گفت: «که این اقدام، موقتی بوده و فعالیت نهضت، به زمان مناسب‌تری باید موقوف شود». و روشن، طرز برخورد دسته «احسان» خان را با نهضت، مورد انتقاد قرار داد و قانعانه اظهار داشت که «دولت شوروی، هر گونه اقدام انقلابی را در این شرایط بی‌فایده و زیانبار می‌داند و از این رو سیاست خود را نسبت به ایران، تغییر داده است»

شواهدی وجود دارد که حاکی از این است که نمایندگان دیپلماتیک شوروی در تهران «از اینکه در نابودی نهضت جنگل تاخیر می‌شد، ناامید بودند، و از همین می‌خواهستند تا سریعاً اقدام کنند. و روشن، سفیر شوروی در ایران، نزد جی‌چگری گلازه، و پیچرین نیز، به نوبه خود، یک اعتراض شخصی، برای لین فرستاد» (۴۷)

منابع شوروی، نهضت جنگل را عامل اصلی «تغیر قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس» و «موقوف مساله قاجار» دانستند. منابع روسی «از تجربه گیلان» این دوسه را فراموش کردند که برای «متحد کردن مردم ایران و شوروی» باید از «احساسات ملی آنان بهره برداری کرد، زیرا نوده‌های گسترده مردم، از این اتحاد استقبال کردند، چون در چنین اتحادی، تضمینی برای آزادی و استقلال خود یافتند.

با توجه به برآیند منابع مختلف، آنچه مسلم است، منابع روسی، در موضوع نهضت گیلان، اختلاف نظر جدی داشتند؛ اما شرح‌های آنان درباره «علل شکست کمونسم» در این جنبش، گوشه‌ای از حقیقت ریاکاری می‌کند و مسئولیت شکست را ناشی از سه عامل عمده زیر می‌داند: ۱. اخراج شدن ارتش سرخ از ایران؛ ۲. محنهای اجتماعی نهضت جنگل؛ ۳. ضعف حزب کمونیست ایران.

یادداشتها:

۱. الوتف، م. س. تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ یزدانی و حسن قائم‌مقامی، ج۱ انتشارات حزب توده، ۱۳۵۶، صفحه ۲۹
۲. شیخ الاسلامی، محمدجواد، سرهانی احمدشاه قاجار، تهران، نشر گفتار، ۱۳۵۷، صفحات ۱۰۶، ۹۹
۳. لنین، و. ای. روز رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائیس، تهران، انتشارات جوادیان، ۱۳۵۳، صفحه ۲۲۷
۴. ذوقی، روح، تاریخ روابط خارجی ایران و قدرتهای بزرگ ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۵، تهران، انتشارات پازنگ، ۱۳۶۸، صفحه ۲۴۳
۵. ذوقی، سهراب، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، تاریخ ایران شماره ۸، ترجمه محمدرفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۶۵، صفحه ۵۰
۶. پوزدنیاکوف، گرگور، شوروی و جنبش جنگل، ماه کوشش بروزیه دهگان، تهران، انتشارات نوین، ۱۳۴۳، صفحه ۴۵
۷. گینک (احسان)، محمدعلی، تاریخ انقلاب جنگل، رشت، نشر گیلکال، ۱۳۷۱، صفحه ۲۶۷
۸. ذوقی، سهراب، روشن، صفحه ۳۷
۹. فخرانی، ابوالهیم، سردار جنگل، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۷، صفحه ۲۴۲
۱۰. گینک، روشن، صفحه ۲۷

۱۱. فخرانی، روشن، صفحه ۲۴۲
۱۲. فیکیان، پیشین، صفحه ۲۵
۱۳. لنین، و. ای. روز رقابت روسیه و شوروی در ایران، ترجمه حوزوایوزری، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۲، صفحه ۷۸
۱۴. صفائی، ابوالهیم، زمینه‌های اجتماعی کودتای ۱۳۰۹، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۳، صفحه ۲۴۹
۱۵. فخرانی، روشن، صص ۲۹، ۳۰
۱۶. ارواستانی، شاهپور، نهضت میرزا کوچک خان جنگلی و ارتش جمعوی شوروی ایران، صص ۱۲۶، ۱۲۹
۱۷. ذوقی، سهراب، جنبش کمونیستی ایران، صفحه ۳۹ به نقل از «بین‌دگرسی» انکورت و بین‌المللی، لندن ۱۹۵۰، جلد اول، صفحه ۱۰۶
۱۸. روزنامه جنگل، «شمس زوین»، ۱۹۲۰، مقاله سید جعفر جوادیان (پشتوروی)، ۱۹۲۰، ۱۲۰
۱۹. ذوقی، سهراب، تاریخ نوین ایران، صفحه ۲۰
۲۰. برای اطلاع بیشتر، بتگریدیه واقعی، سرطیفه و قبیله‌ها، تاریخ می‌پوستند، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۵۷، صص ۲۷، ۲۶
۲۱. جنگلی، اسماعیل، پیام جنگل، به مقدمه اسماعیل رائیس، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۷، صفحه ۱۵۹
۲۲. ارواستانی، نهضت میرزا کوچک جنگلی، صفحه ۲۶۹
۲۳. فخرانی، روشن، صفحه ۲۶۹
۲۴. ارواستانی، پیشین، صفحه ۲۶۹
۲۵. ذوقی، سهراب، صفحه ۸۰
۲۶. برای اطلاع بیشتر بتگریدیه فخرانی، سردار جنگل، صص ۲۰۵، ۲۰۶، همچنین به یادداشت شوروی و جنبش جنگل، صص ۱۸۱، ۱۸۳
۲۷. ارواستانی، روشن، صفحه ۸۰
۲۸. فخرانی، روشن، صفحه ۲۷۱
۲۹. منشور گنگانی، محمدعلی، سیاست دولت شوروی در ایران، از ۱۳۵۹ تا ۱۳۰۹، تهران، چاپخانه مطهری، ۱۳۴۶، صص ۸۸، ۸۷
۳۰. ابوالقاسم، تاریخ نوین ایران، صفحه ۴۱
۳۱. فیکیان، پیشین، صفحه ۱۲۹
۳۲. ذوقی، سهراب، پیشین، صفحه ۶۵
۳۳. لنین، و. ای. روز رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائیس، صص ۳۳، ۳۲
۳۴. برای اطلاع بیشتر، بتگریدیه رئیس‌نیازون، جیدرخان عموزوئی در گذر از فرهنگها، تهران، انتشارات دنیا، ۱۳۶۰
۳۵. ارواستانی، روشن، صص ۲۱۷، ۲۱۶
۳۶. طبری، احسان، گزارش (خاطراتی از تاریخ حزب توده ایران)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، صفحه ۸۸
۳۷. شیخ الاسلامی، محمدجواد، افزایش نفوذ روس و انگلستان در ایران عصر قاجار (مجموعه مقالات)، تهران، کیهان، ۱۳۶۹، صص ۸۶- ۸۷
۳۸. ذوقی، سهراب، پیشین، صفحه ۱۲۶
۳۹. گینک، تاریخ انقلاب جنگل، صفحه ۳۴۶
۴۰. فیکیان، پیشین، صفحه ۵۵۷، به نقل از کتاب «آزاده گمگام، کاظم امیرزاد»، صص ۱۵۶، ۱۵۷
۴۱. اعظم‌قدسی، حسن، خاطرات من و روش تاریخ سدسال ایران، تهران، انتشارات جوادیان، ۱۳۶۲، صفحه ۴۰۴
۴۲. ابوالحسن، ایران و جهان از من و وطن تاریخان قاجاریه، تهران، نشر هما، ۱۳۷۵، صفحه ۵۰۲
۴۳. لنین، و. ای. روز رقابت روسیه و شوروی در ایران، ترجمه حوزوایوزری، صفحه ۸۱
۴۴. مادام ایوانوف، هیئت از پیشین ملی در استان گیلان ایران، در سالهای ۱۹۲۱-۱۹۲۰، این مقاله، در نشریه "Borzhuyev Vostokovo Dvire" (شوروی و کشورهای شرق)، شماره (۱۹۵۵)، چاپ رسیده است. خلاصه انگلیسی آن در مجله روسی «امینا» موزکی، سال چهارم، شماره سوم (۱۹۵۶)، چاپ رسیده است. «انتشاریه آن GARN» کرده می‌شود»
۴۵. فخرانی، روشن، صص ۲۶۵، ۲۶۱
۴۶. ذوقی، سهراب، روشن، صفحه ۹۸، به نقل از «بین‌دگرسی»، جلد اول، صفحه ۳۸۸، دوم، (پوستوروی)، بتگریدی، صص ۳۸۸، ۳۸۹